

تحلیلی مفهومی از قلمرو محله بر پایه ادراک ساکنین با بهره گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)

(نمونه مطالعاتی: محلات شهر مشهد)

Conceptual Analysis of Neighborhood Territory based on Residents' Perception using Geographic Information System (GIS) (Case study: Mashhad Neighborhoods)

عمید الاسلام ثقه الاسلامی^۱ (نویسنده مسئول)

تاریخ انتشار آنلاین:	تاریخ پذیرش:	تاریخ بازنگری:	تاریخ ارسال:
۱۳۹۸/۰۴/۱۲	۱۳۹۸/۰۲/۱۲	۱۳۹۸/۰۱/۲۷	۱۳۹۷/۰۷/۲۹

چکیده

محله دارای پیشینه ای طولانی در شهرنشینی ایران است. در حال حاضر محلات نقش مهمی را در برنامه‌ها و طرحهای محلی در شهرها و جایگاه مهمی را در توسعه شهری بر عهده دارند. یکی از موضوعات مهم در ارتباط با مفهوم محله ای، تعیین مناسب و صحیح از قلمرو محلات و نقش ساکنین محله در این میان است. در این زمینه با وجود مطالعات انجام شده در کشورهای غربی، مطالعات بسیار کمی در داخل کشور انجام شده است. هدف تحقیق این است که اولاً میزان جمعی بودن ادراک ساکنین از قلمرو محلات را مشخص نماید و ثانیاً چگونگی تاثیر متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات، اشتغال، مدت زمان سکونت، نوع مالکیت، نحوه اقامت و داشتن روابط همسایگی را در ادراک ساکنین از قلمرو محلات بررسی و تحلیل نماید. روش تحقیق کمی و پیمایشی به همراه تحلیل‌های آماری و تحلیل اطلاعات مکانی است. به این منظور تعداد ۶۰۰ پرسشنامه ترکیبی به همراه نقشه ضمیمه در ۶ محله از محله بندی طرح تفصیلی شهر مشهد توزیع گردید. روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بود. نقشه‌های ادراکی به دست آمده از قلمرو محله با استفاده از GIS مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج آزمون‌های آماری نشان می دهد ادراک ساکنین از قلمرو محلات با محله‌های قراردادی که طرحهای توسعه شهری آن را تعریف می کنند، تفاوت دارد. میانگین مساحت قلمرو ادراکی محله در بافتهای مختلف شهری با یکدیگر دارای تفاوت معنی دار است. همچنین گروه مردان و مالکین واحدهای مسکونی به صورت معناداری نسبت به گروه‌های دیگر، قلمرو محله را بزرگتر ادراک می‌نمایند و ساکنینی که خانه دار هستند و محصلین نسبت به گروه‌های دیگر شاغلین، به طور معنا داری قلمرو محله را کوچکتر ادراک می‌نمایند. همچنین مقاله توصیه هایی در مورد به کار گیری ادراک ساکنین در فرآیند تعیین قلمرو محلات را ارائه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی:

محله، قلمرو محله، ادراک ساکنین، سیستم اطلاعات جغرافیایی، مشهد.

۱. استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، خراسان رضوی، ایران. saghatoleslami@mshdiau.ac.ir

۱- مقدمه

پیدایش مفهومی چون "محله" دارای تاریخچه ای طولانی در نظام شهرنشینی جهان و ایران است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی آنها با هم دارد. بررسی های باستان شناسی و تاریخی نشان میدهد تقسیم فضایی شهرها به مناطق مسکونی از جمله محلات شهری نشانه ای از زندگی شهری از شهرهای اولیه تا عصر حاضر است (Smith, 2010; Mumford, 1961). بررسی تاریخ شهر نشینی ایران نشان می دهد، در شهرهای تاریخی ایران، شالوده سازمان فضایی- کالبدی و اجتماعی شهر بر نظام محله بندی استوار بوده است و محله به عنوان واحد پایه ای و نظم دهنده از ساختار فضایی و اجتماعی شهر، آنچنان تأثیری در شکل گیری شهر داشته که شهرها بر اساس وجود محله ها تعریف می شده اند (فلامکی، ۱۳۷۴: ۲۱۴). عوامل متعددی مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، جغرافیایی- اقلیمی، دفاعی- نظامی می توانست موجب پیدایش تجمع گروه های انسانی در جهت تامین نیازهای مشترک و زندگی آنها در قلمرو فضایی مشخص و دارای مرزها و حدود معین کالبدی شود و به این ترتیب مفهوم محله تجلی کالبدی و عینیت یابد (سلطانزاده، ۱۳۶۷، ۲۸؛ توسلی، ۱۳۷۶، ۸؛ حبیبی، ۱۳۸۰، ۴۸). همچنین در عصر حاضر برنامه ریزی محله مینا^۱ نقش مهمی را در برنامه ها و طرح های محلی در شهرها و جایگاه مهمی را در امر توسعه شهری در شهرسازی غرب بر عهده دارد، به طوریکه از محلات شهری به عنوان کلید توسعه شهری، مشارکت مردم و هویت بخشی به محیط های شهری یاد می شود (Urban Task) (Hester, 1984; Force, 1999; Rapaport, 2001; Rohe, 2009). یکی از موضوعات مهم در ارتباط با مفهوم محله ای، تعریف مناسب و صحیح از قلمرو محلات می باشد. بسیاری از برنامه ها و طرح هایی که برای توسعه، ارتقاء و بهبود محله تهیه می شود به نوعی با قلمرو محلات و تعریف آنها پیوند خورده است. تعریف درست ابعاد و مرزهای محله اولین قدم برای انجام این عمل است. از طرف دیگر در حال حاضر تعریف صحیح و هماهنگ از تعریف محله بین شهرداری ها، سازمان های مرتبط با امور شهری و ساکنین محلات وجود ندارد. به طوریکه محله بندی طرح های توسعه شهری و محله بندی ادارات و نهادهای محله ای با تعریفی که ساکنین از محله دارند قابل سوال و بررسی است. مشکل اخیر عامل مهمی است که باعث تشتت آراء در تعریف محله شده است. از طرفی رفتار فضایی مردم در محیط شهری تا حدود زیادی تحت تاثیر

(Downs & Stea, 1973; Kitchin, 1994). استفاده از امکانات و خدمات محله ای نیز بر اساس این ادراک استوار است. تفاوت تعریف از محله در بین ساکنین و متخصصین شهری- باعث مشکلاتی در استفاده از خدمات شهری خواهد گردید. مردم به گونه ای در فضاهای محله ای رفتار می کنند که متفاوت از نگاه برنامه ریزان و مدیران شهری است و با نظمی که آنها سعی در پیاده کردن در محیط شهری دارند متفاوت است. به این ترتیب یکی از موضوعات مهم در ارتباط با محلات، تعریف مناسب و صحیح محله بر پایه ادراک ساکنین است تا با استفاده از موضوع بتوان به تعریف بهتر و مناسبتر محلات قراردادی اقدام نمود. مطالعاتی که در کشورهای غربی بر روی ابعاد و اندازه محلات انجام شده نشان می دهد که تعریف ساکنین از محله متفاوت از تعریفی است که سازمانهای مختلف شهری از محله دارند (Coulton et al., 2001, 381).

با توجه به اینکه محله ایرانی از لحاظ ماهیتی با مفهوم محله غربی تفاوت هایی دارد و محله دارای سابقه بسیار طولانی در ساختار شهرهای ایرانی بوده است ولی در حال حاضر در ایران مطالعات بسیار اندکی در این ارتباط انجام شده است. از جمله مطالعه ای نشان می دهد ادراک ساکنین از قلمرو محلات با محله های قراردادی که طرح های توسعه شهری تعریف می کنند تفاوت دارد ولی در این مطالعه، متغیرهای مختلفی که در ادراک ساکنین از قلمروی محله تاثیر گذار هستند مانند جنسیت، سن، نوع اشتغال، مدت زمان اقامت در محله، نحوه سکونت و... مورد تحلیل قرار گرفته است (ثقه الاسلامی، امین زاده، ۱۳۸۸). همچنین در مطالعه ای دیگر به تعیین روشی بر ادراک مفهومی ساکنین از قلمرو محله تاکید دارد ولی نمونه عملی برای مطالعه و روش استفاده را معرفی نمی نماید (برنون، براتی و شاهچراغی، ۱۳۹۵). سوالات اصلی تحقیق شامل دو سوال اصلی است.

سوال اول: خصوصیات مشترک و جمعی ادراک ساکنین از محله چگونه است؟ تا چه میزانی ادراک ساکنین از قلمرو محله در میان ساکنین، جمعی و دارای خصوصیات مشترک است؟
سوال دوم: چگونه متغیرهایی مانند جنسیت، سن، میزان تحصیلات، نوع اشتغال، مدت زمان سکونت، نوع مالکیت، نحوه اقامت و موقعیت محله در سطح شهر و میزان روابط همسایگی در نحوه ادراک ساکنین از قلمرو محله تاثیر گذار است؟ در همین ارتباط فرضیه تحقیق به این صورت مطرح شده است که متغیرهایی مانند جنسیت، سن، میزان

می سازند که ارتباط ساکنین را با فضای محله و فضای عملکردی محله برقرار می کند و نحوه تعاملات اجتماعی ایشان را مشخص می کند. مطالعه ترنس لی (Lee, 1968) در زمینه مشخص نمودن قلمرو محله پیشتاز است. وی به بررسی ادراک مردم از محله اجتماعی و تعریف ساکنین از آن پرداخت و به این نتیجه رسید تعریف یک شخص از محله به نحوه دید شخص از حوزه کالبدی که در آن زندگی می کند، بستگی دارد. مردمی که محلات را به صورت واحدی اجتماعی تعریف می کنند، بیشتر متمایل به تشریح واحد کوچکتری هستند نسبت به ساکنینی که محله را با مرزهای قراردادی سازمانها و نهادها تعریف می کنند.

در ارتباط با ادراک ساکنین از نام محله و توافق بر نامهای محله به نظر می رسد به طبقه اجتماعی ساکنین پیوند خورده است. مطالعات انجام شده نشان داده است مردم با تحصیلات و درآمدهای بالا بیشتر از مردم با درآمدهای پایین متمایل هستند که نامهای محلات و اجتماعات محلی را بیان نمایند (Guest & Lee, 1983). همچنین اغلب ساکنینی که در نزدیکی یکدیگر زندگی می کنند یک نام را برای محله شان در نظر می گیرند ولی به صورت مشخصی جوابهای ایشان از اندازه قلمروی محله با یکدیگر متفاوت است. در ارتباط با تاثیر موقعیت محله در شهر مطالعه ای نشان داد، مردمی که در محلات حومه و حاشیه شهر زندگی می کنند، قلمرو محله را بزرگتر از محلات مرکز شهر ادراک می کنند؛ با وجودیکه هر دو گروه پاسخ دهنده به طور برابر توصیفات جزئی از محله شان را ارائه دادند (Hany & Knowles, 1978). همچنین تحقیقات نشان می دهد این موضوع که ساکنین چگونه قلمرو محله را در نظر می گیرند، مقدار زیادی به اینکه آنها چه کسانی هستند و موقعیت و جایگاه اجتماعی ایشان در جامعه شهری بر می گردد. ساکنینی که در فعالیتهای محله درگیر هستند از قبیل داشتن مراودات اجتماعی با همسایگان و مشارکت در کلوپ محله متمایل هستند تا محله را به گونه ای اجتماعی تعریف کنند. همچنین زنان، ساکنین با مدت اقامت بالا و ساکنین با بچه های کوچک تمایل دارند تا محدوده محلات را کوچکتر تعریف کنند (Guest and Lee, 1984). همچنین مطالعه ای دیگر نشان داد جواب دهندگان آمریکایی آفریقایی تبار بیشتر از سفید پوستها متمایل بودند تا بر جهات اجتماعی تاکید کنند و محدوده کوچکتری را به عنوان قلمرو محله شان تعریف می کنند. همچنین ساکنین مسن، بیکار، ازدواج کرده و ساکنین با مدت اقامت زیاد بر جهات اجتماعی محله تاکید دارند. در تضاد با این موضوع، گونه هایی

تحصیلات، نوع اشتغال، مدت زمان سکونت و بومی یا غیر بومی بودن ساکنین محلات و داشتن روابط همسایگی در نحوه ادراک ساکنین از قلمرو و اندازه محلات تاثیر گذار بوده و باعث تفاوت معنی داری می گردد.

۲- مبانی نظری

در مطالعات تخصصی می توان دو رویکرد اصلی را در تعریف محله بیان کرد. در رویکرد اول از ویژگی های عینی محله در تعریف محله و مشخص نمودن قلمرو آن استفاده می شود. مانند اینکه محله به عنوان واحدی کالبدی- فضایی تعریف شود و تشکیل شده از عناصر کالبدی مختلف از جمله واحدهای مسکونی، خدماتی و شبکه ارتباطی است که سکونت و مجموعه ای از فعالیتهای مرتبط با سکونت در فضاهای مختلف محله اتفاق می افتد. در این حالت محله می تواند با یک کاربری شاخص تعریف شده و شعاع عملکرد فعالیتی این کاربری، مرزهای محله قراردادی را مشخص می کند. (شیعه، ۱۳۸۲؛ سعیدنیا، ۱۳۸۵). در همین رویکرد و در نگرشی دیگر جنبه های اجتماعی و کالبدی- فضایی محله توأمان در تعریف محله نقش دارند. محله فرم اولیه سازمان اجتماعی است و افرادی را شامل می گردد که دارای ریشه، خاستگاه و تاریخ مشترک می باشند که در محدوده مشخصی زندگی می کنند. در گذشته، محلات ایرانی با چنین نگرشی تعریف می گردد (اشرف، ۱۳۵۳؛ سلطانزاده، ۱۳۶۸؛ توسلی، ۱۳۷۶). برخی از اندیشمندان غربی نیز به مفهوم اجتماعی محلات در نظام شهرنشینی در غرب توجه و تاکید نشان داده اند (Keller, 1968; Lee, 1968; Rapoport, 2001, Chaskin, 1995). در رویکرد دوم به ذهنیت ساکنین از محلات پرداخته می شود که در این رویکرد، نحوه ادراک ساکنین از محله در تعریف محله و تعیین قلمروی آن نقش داشته و اهمیت می یابد که در مقاله حاضر به آن پرداخته می شود.

۲-۱- ادراک و تصویر ذهنی ساکنین از قلمرو محله

از دهه ۱۹۶۰ میلادی با مطرح شدن دانش روان شناسی محیط و اهمیت یافتن آن در حوزه شهرسازی، مطالعات و تحقیقات مختلف در مورد فرآیندهای اصلی ادراک و رفتار ساکنین در محیطهای شهری انجام گرفت. در این دوره این موضوع مطرح گردید که محله شهری را می توان بر اساس تعریف ساکنین نیز تعریف نمود و ساکنین هر محله ادراک مشخصی از ویژگی ها و خصوصیات محله شان و از جمله قلمروی آن دارند. هر روز ساکنین محله فضاهای مختلف محله را می بینند و تفسیر می کنند و نقشه های شناختی

تعریف میکنند به این جهات بر می گردد که چگونه محله خود را می بیند و با آن ارتباط دارد که در این صورت قلمرو کالبدی محله متفاوت است.

اکثر مطالعات انجام شده در غرب ادعان دارند که نتایج تحقیقات با توجه به اینکه تحقیق در یک شهر خاص انجام شده قابل تعمیم نیست و مطالعات هنوز در مرحله روش شناختی است. در زمینه بررسی نقشه‌های شناختی ساکنین از قلمرو محلات شهری مطالعات بسیار کمی در ایران انجام گرفته است. در مطالعه ای که توسط ثقه الاسلامی و امین‌زاده (۱۳۸۸) انجام گرفته و ادراک ساکنین از محله قرار دادی طرح‌های توسعه شهری را مورد بررسی قرار داده است، نتایج نشان می‌دهد محله ای که ساکنین ادراک می‌کنند، از محله ای که طرح تفصیلی پیشنهاد می‌دهد متفاوت بوده و ادراک جمعی و توافق نظر در مورد قلمرو محله قرار دادی طرح تفصیلی بین ساکنینی که در آن زندگی می‌کنند وجود ندارد و از نظر ساکنین محدوده و قلمرو بسیار کوچکتری به عنوان محله ادراک و تعریف می‌گردد.

۲-۲- روش‌های استفاده شده در تعریف قلمرو محله از نظر

ساکنین

در سالیان اخیر با گسترش استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در مطالعات شهری، از این ابزار در تعیین قلمرو محلات استفاده شده است. با کمک این ابزار می‌توان ویژگی‌ها و مولفه‌های مختلف فضایی و اجتماعی محله را در قالب لایه‌های مختلف اطلاعات مشخص نموده و در نهایت با روی هم اندازی نقشه‌ها و مشخص نمودن محدوده‌های همگن و مشترک اقدام نمود. مطالعات موجود نشان دهنده استفاده از ۴ روش اصلی در تعیین قلمرو و مرزهای محله با استفاده از ابزار GIS می‌باشد. اول: مشخص نمودن مرزهای محله به وسیله جامعه محلی^۴: در این روش جامعه بزرگسال ساکن در محله، مرزهای محله را مشخص نموده و در فرآیند مشخصی با روی هم انداختن نقشه‌ها، قلمرو محله مشخص می‌گردد. دوم: مشخص نمودن به وسیله هر شخص ساکن^۵: در این روش برای اشخاص متفاوت از لحاظ سن و جنسیت، قلمرو محلات تعیین شده و سپس از همپوشانی نقشه‌ها، مرزهای محله در نظر گرفته می‌شود. سوم: مشخص نمودن با شبکه‌های خیابان پیاده^۶: با در نظر گرفتن زندگی روز مره و حرکت پیاده در داخل بافت محله و با همپوشانی اطلاعات، محدوده محله مشخص می‌گردد. چهارم: طراحی حوزه^۷: در این روش اطلاعات مختلف کالبدی و اجتماعی محله از لحاظ جمعیت‌شناسی، مسکن و شرایط جغرافیایی در فرآیند تعیین

از ساکنین که زندگی آنها فراتر از محله گسترش می‌یابد، مانند افراد جوان، سفیدپوست‌ها، تحصیل کرده‌ها و استخدام شده‌ها، ابتدا محله را به صورت قلمرویی^۲ و در مرحله دوم ساختاری^۳ در نظر می‌گیرند (Lee and Campbell, 1997).

در تحقیقات انجام شده جهت تعیین روشی برای مشخص نمودن قلمرو محله توسط ساکنین، کالتون و همکارانش در مطالعه ای از ابزار GIS در تولید نقشه‌های محله و مشخص نمودن موقعیت ساکنینی که در تحقیق مشارکت داشتند استفاده نموده و با استفاده از همین ابزار به تحلیل اطلاعات پرداختند. ایشان میانگین مساحت و شعاع محدوده ای که جواب دهندگان به عنوان قلمرو محله مشخص کرده بودند را محاسبه نمودند. همچنین محدوده مشترکی که جواب دهندگان به آن اشاره داشتند نیز مشخص گردید. در نهایت این تحقیق بیان می‌کند که تعریف کردن یک محله بر مبنای ادراک ساکنین یک پیشنهاد ساده نیست، چرا که به طور آشکاری جوابها متفاوت می‌باشد و شرایط اجتماعی ساکنین، در قلمرو محله ادراک شده توسط آنها تاثیر گذار است (Coulton et al., 2001). همچنین با استفاده از روشهای کیفی و مصاحبه نیز در تعیین قلمرو محلات پرداخته شده است. در مطالعه ای به منظور تعیین قلمرو محله در بین ۳۷ نفر نوجوان و ۳۳ نفر والدین آنها به ۴ عامل اصلی که در مشخص کردن مرزهای محله تعریف شده ساکنین تاثیر گذار است اشاره شده است. اولین عامل ویژگی‌های کالبدی و اداری محله، دومین عامل طبقه اجتماعی، نژاد و ترکیب قومی، سومین عامل تهدیدات جنایی ادراک شده از داخل یا خارج از محله و عامل چهارم هویت‌های سمبولیک محله است. همچنین نتایج نشان داد که جوابهای داده شده در مورد قلمرو محله بین افراد یک خانواده نیز با یکدیگر متفاوت است (Campbell et al., 2009).

به این ترتیب قلمرو محله که به وسیله ساکنین محله مشخص می‌شود به جایگاه افراد در محله و ارتباط آنها با جامعه بزرگتر بستگی دارد. در بعضی مکانها ممکن است یک خیابان نقش مرز دو محله را بازی کند و در جایی دیگر با وجودیکه عنصری کالبدی مرز دو محله نیست، تفاوت‌های نژادی و اقتصادی این نقش را بازی کند (Chaskin, 1995). در این میان مخصوصا چهار جهت مهم هستند: الف- محله به عنوان یک مکان یا واحد از فضا که در آن فعالیت‌های زندگی روزمره اتفاق می‌افتد. ب- محله به عنوان یک مجموعه از ارتباطات اجتماعی. ج- محله به مثابه واحدی تعریف شده به وسیله ارتباطاتش با یک یا بعضی از فعالیت‌های سازمانها. د- محله به مثابه واحد نمادی با یک نام و هویت شناخته شده. اینکه یک فرد چگونه محله خود را

متغیر مساحت و اندازه قلمرو محله در ادراک ساکنین: یکی از موارد تحلیل، میانگین مساحت محله ادراکی ساکنین است. به این وسیله با مقایسه مساحت محله قراردادی با مساحت محله ادراکی ساکنین می توان به حدود قلمرو ادراکی ساکنین دست پیدا نمود. در همین ارتباط متغیر دیگر، درصد پوشش نقشه شناختی ساکنین نسبت به محلات قراردادی است. با بررسی این متغیر می توان به این نتیجه دست پیدا نمود که آیا مرزهای محله قراردادی به نحو مناسبی در نظر گرفته شده است.

متغیر محدوده مشترک^۸ محله در بین ساکنین: متغیر دیگر تعیین محدوده مشترک در بین نقشه شناختی ساکنین باشد. محدوده مشترک محدوده و قلمرویی است که در درصد مشخصی از نقشه های شناختی جواب دهندگان مشترک و جمعی است.^۹ شناخت محدوده مشترک می تواند به شناخت مراکز محلات ادراکی ساکنین و در نهایت به تعریف بهتر محلات قراردادی کمک نماید.

متغیر توافق بر مرزهای مشترک محله در ادراک ساکنین: از جمله موارد تحلیلی، میزان انطباق مرزهای محله ادراکی ساکنین و درصد جوابهای مشترک در چهار جهت اصلی جغرافیایی است. هر چقدر ساکنین در جوابهایشان به حدود جغرافیایی یکسانی اشاره نموده باشند به منزله آن است که در محله ادراکی ساکنین توافق و اجماع بیشتری در آن جهت جغرافیایی در مرزهای محله وجود دارد. در جدول ۱ خلاصه ای از روش و متغیرهای به دست آمده از نقشه های شناختی ساکنین از قلمرو محلات در تحقیقات ارائه می گردد.

مرزهای محله در نظر گرفته می شود (Coulton, 2012: 232). در تعیین قلمرو محله با کمک ادراک ساکنین از روش های کمی و کیفی استفاده می شود. در روش کمی، معمولاً در گردآوری اطلاعات، با استفاده از روش پیمایش اقدام می گردد. پیمایش می تواند بر روی گروه های خاصی از ساکنین متمرکز شود. به این منظور از محلات مختلف، نقشه های تهیه می شود. بر روی نقشه اطلاعات کافی و مناسبی از محله مانند نام خیابانها و عناصر و شناسه های مهم محله- منعکس شده است. و به وسیله ترسیم مرزهای محله توسط ساکنین بر روی نقشه محله، نظرات ساکنین در ارتباط با قلمرو محله جمع آوری می گردد. در محلات مختلف شهری باید مقیاس نقشه ها یکسان باشد تا امکان مقایسه را فراهم آورد. در روش کیفی معمولاً در جمع آوری اطلاعات، مصاحبه با ساکنین در ارتباط با قلمرو محله انجام می گیرد. در این ارتباط از پاسخ دهندگان خواسته می شود که مشخص نمایند تا کجا احساس می کنند در محدوده محله خود هستند و از ساکنین در مورد مرزهای محله در ۴ جهت اصلی جغرافیایی سوال می گردد و مرزها بر روی نقشه منعکس می گردد (Campbell et al., 2009, Ohmer et al. 2018).

۲-۳- مروری بر متغیرهای مورد تحلیل در نقشه های شناختی ساکنین

در تحقیقات انجام شده برای تحلیل اطلاعات متغیرهای زیر مورد بررسی قرار گرفته است. در به دست آوردن مقادیر کمی متغیرها معمولاً از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و ابزارهای تحلیلی این نرم افزار استفاده می گردد.

Table 1: Methodology of defining neighborhood by residents' perceptions and the variables considered in studies by Western scholars

Time period	Methodology and the variables considered in examination of neighborhood territory	Some related studies
The 1960s	Urban neighborhood as a social and spatial unit Considering neighborhood as a subjective schemea	Lee (1968) Keller (1968)
The 1970s	Examination of descriptive information of residents about the neighborhood using quantitative methods (common ideas on neighborhood name, neighborhood center, local signs, etc.) Examination and analysis of the area and size of neighborhood territory The impact of neighborhood location in the city on the perceived neighborhood size	Lee (1973) Haney and Knowles (1978)
The 1980s	Investigation of individual difference variables in residents' perceptions of neighborhood territory Influence of variables such as gender, age, level of education, neighborhood location in the city, and duration of residence on perceived area and size of the neighborhood	Guest and Lee (1984) Haerberle (1988)
The 1990s	Continuing previous studies by examining variables of individual differences in residents' perceptions using interviews with different groups of residents Influence of variables such as race and social origin on residents' perceptions Influence of social relationships with neighbors on the perceived size of the neighborhood	Lee and Campbell (1997)

From 2000 onwards	Use of GIS software to combine different layers of spatial and social information of the neighborhood and overlaying the maps to determine the territory of neighborhoods Analyzing the information on the perceived territory of neighborhoods Proposing a common area among residents Proposing shared boundaries among residents	Coulton et al. (2001) Campbell et al. (2009) Lohmann and McMurrin (2009)
-------------------	--	--

۳- روش انجام پژوهش

روش تحقیق کمی و به صورت پیمایشی به همراه تحلیل‌های آماری و تحلیل اطلاعات مکانی است. روش‌های گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه ترکیبی (باز پاسخ و پاسخ بسته) و نقشه ضمیمه آن است. همچنین با توجه به محله‌های انتخابی، کاربری زمین در وضعیت موجود برداشت شده است. نقشه ضمیمه پرسشنامه در مقیاسی مشخص برای هر محله و در صفحه A4 چاپ شد و بر روی آن خیابانها و میدانها و شناسه‌های مهم در داخل و اطراف محله نوشته شد. موقعیت منزل هر پاسخ دهنده بر روی این نقشه توسط پرسشگر مشخص می‌گردد و سپس از او خواسته می‌شد مرزهای محله خود را بر روی نقشه ترسیم نماید. سوالات پرسشنامه‌ها در دو بخش اصلی، اطلاعات شخصی و مطالعات قلمرو ادراکی از محله تنظیم گردید. فرآیند تحقیق در دو قسمت اصلی در نظر گرفته شد. در مرحله اول اطلاعات توصیفی از محله از پاسخگویان پرسیده شد و در مرحله دوم از پاسخدهندگان خواسته شد موقعیت مرزهای محله خود را بر روی نقشه مشخص نمایند. نمونه مطالعاتی تحقیق شهر مشهد است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر مشهد ۳۲۷۰۰۰۰ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). جامعه هدف، ساکنین با سن بیش از ۱۵ سال هر محله بودند. با استفاده از روش کوکران در تعیین حجم نمونه انجام گردید (حافظ نیا، ۱۳۸۷). بر اساس سطح اطمینان ۹۹ درصد ($Z=2,326$) و خطا ۰,۰۵، تعداد ۵۶۰ پرسشنامه بایستی توزیع می‌گردید. به جهت تقسیم متعادل پرسشنامه‌ها در محلات تعداد ۶۰۰ پرسشنامه در نظر گرفته شد. سپس از نقشه محله بندی طرح تفصیلی مشهد محلات مورد نظر انتخاب گردید. نمونه مطالعاتی شامل ۶ محله از محله بندی طرح تفصیلی مشهد می‌باشد. که امکان تحلیل را در بافت تاریخی، بافت میانی و انواع بافت‌های جدید فراهم می‌کند. بر این اساس تعداد ۱۰۰ پرسشنامه به همراه نقشه ضمیمه در هر یک از محلات توزیع گردید. روش نمونه گیری به صورت خوشه ای چند مرحله ای^۱ بوده است. هر محله به چندین بلوک تقسیم گردید و از هر بلوک نیز با روش نمونه گیری تصادفی چند خانوار مشخص گردید. در نمونه مورد مطالعه سعی گردید تعداد نمونه‌ها در جنسیت

نمونه و همچنین در طبقه‌های سنی حتی الامکان به صورت متعادل باشد. در جدول ۲ اطلاعات کلی ساکنین که در نظرسنجی تحقیق مشارکت کرده اند، آمده است. اعتبار تحقیق با استفاده از نظرات اصلاحی صاحب نظران و کارشناسان در مورد سوالات پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت و از آزمون مقدماتی پرسشنامه نیز استفاده گردید. برای پایایی^{۱۱} تحقیق، با توجه به نوع متغیرهای پرسشنامه که اسمی هستند، از روش آزمون-آزمون مجدد^{۱۲} استفاده گردید. به این منظور نمونه کوچکتری انتخاب گردید و پرسشنامه‌ها بین آنها توزیع گردید. جوابهای بدست آمده مانند نمونه اصلی و دارای ضریب همبستگی بالایی (۰,۷۵) بود. به این ترتیب تحقیق از پایایی مناسب برخوردار است. تحلیل‌های آماری توسط نرم افزار SPSS و تحلیل اطلاعات مکانی توسط نرم افزار GIS انجام گرفت. در فرآیند تحلیل اطلاعات، در مرحله اول اطلاعات توصیفی از ادراک ساکنین از محله بررسی گردید و در مرحله دوم اطلاعات حاصل از نقشه‌های شناختی ساکنین مورد تحلیل قرار گرفت.

۳-۱- معرفی متغیرها در فرآیند تحقیق:

در فرآیند جمع آوری اطلاعات تحقیق، در ابتدا متغیرهای مختلفی که ناشی از تفاوت‌های فردی ساکنین محله بود، مانند جنسیت، سن، شغل، نحوه اقامت، نوع مالکیت، مدت زمان سکونت و نحوه اقامت در شهر، جمع آوری گردید. ثانیاً متغیرهای احساس زندگی در محله، نام محله و موقعیت مرکز محله مورد بررسی قرار گرفت. ثالثاً تحلیل اطلاعات قلمرو محله ادراکی حاصل از نقشه‌ها، توسط متغیرهای زیر مورد بررسی قرار گرفت. حداقل مساحت قلمرو محله ادراکی، حداکثر مساحت، میانگین مساحت، انحراف معیار و میزان اشتراک مرزهای قلمرو محله ادراکی با مرزهای قلمرو قراردادی محله در ۴ جهت جغرافیایی بود. همچنین در متغیر دیگری، محدوده مشترک در میان تعداد مشخصی از پاسخدهندگان در محله مورد بررسی قرار گرفت. در تصویر شماره ۱، نام و موقعیت محلات و نقشه شناختی پاسخدهندگان از قلمرو محله که شامل ۶ محله مورد مطالعه و ۶۰۰ مورد است، بر روی نقشه هر محله مشخص شده است.

۴- نمونه مطالعاتی و معرفی محلات انتخابی

جهت انتخاب محلات مرزبندی و محله بندی طرح تفصیلی شهر مشهد به عنوان مبنای انتخاب محلات در نظر گرفته شده است. طرح تفصیلی، شهر مشهد را به ۱۶ منطقه و همین مناطق را به ۴۹ ناحیه تقسیم کرده است. هر یک از نواحی شهر را به طور متوسط به ۳ تا ۴ محله تقسیم نموده است. در یک تقسیم بندی کلی می توان بافت‌های مسکونی شهر مشهد را به سه بخش: بافت درونی (تاریخی)، بافت میانی و بافت جدید تقسیم بندی نمود. برای انجام تحقیق در بافت تاریخی و میانی هر کدام یک محله (با در نظر گرفتن حفظ

ساختارهای محله ای) انتخاب گردید. در بافت جدید و با توجه به عوامل گوناگون در شکل گیری آن، موجب شد تا محلاتی از بافت جدید انتخاب شوند که حداقل یکی از ۴ معیار زیر در مورد آنها صدق کند: الف- محله ای با یک هسته تاریخی (وجود سکونتگاهی از قدیم در محل شکل گیری محله جدید). ب- تحقق کاربریهای پیشنهادی طرح های توسعه شهری در محله ج- عدم تحقق کاربریهای پیشنهادی طرحهای توسعه شهری در محله. د- محله ای از طرحهای آماده سازی زمین. به این ترتیب نمونه مطالعاتی شامل ۶ محله از محلات طرح تفصیلی مشهد در نظر گرفته شد.

Table 2: General information of residents participating in the survey

Variable	Number of total questionnaires	Percentage of total questionnaires
Gender	Male	67%
	Female	33%
Age	15-19	14%
	20-39	46%
	40-59	27%
	More than 60	13%
	Secondary school and less	38%
Level of education	High school and associate degree	40%
	Bachelors' degree	20%
	Masters' degree and PhD	2%
	Freelance jobs	33.33%
Occupation	Employee	13.33%
	Student	19.5%
	Housewife	18.5%
	Retired	12.66%
	Unemployed	2.33%
	Less than 5 years	29%
	6-15	36%
Duration of residence	16-25	15%
	More than 25 years	20%
	Owner	81%
Ownership type	Tenant	19%
	Native	82%
Residence type	Non-native	18%

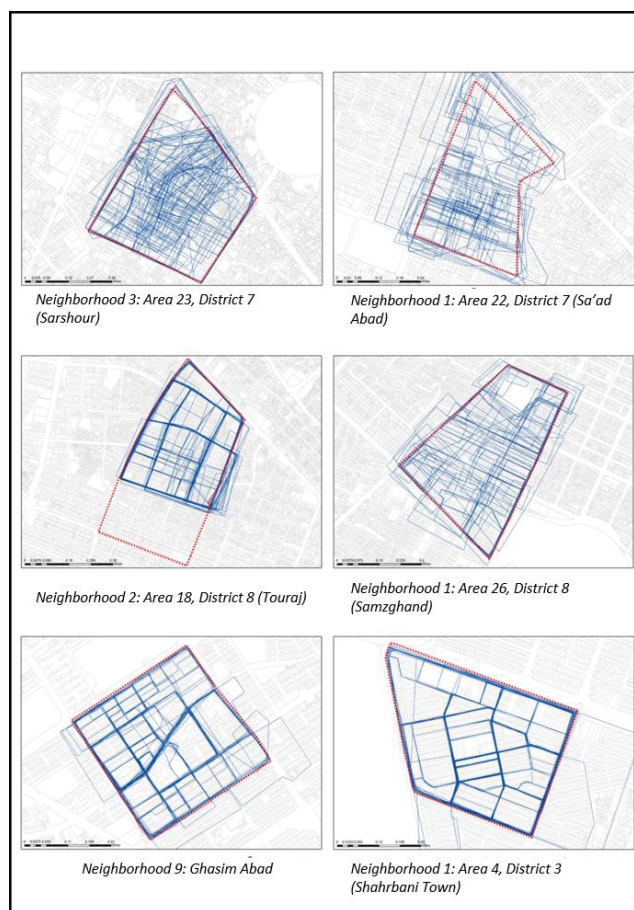


Fig. 1 Cognitive map of perceived neighborhood territory in 6 selected neighborhoods

شهرک شهربانی، مقدار نما^{۱۳} در محلات دیگر کم و نسبت تغییر زیاد^{۱۴} است، بنابراین تشتت آراء در زمینه نام محله در بین ساکنین محلات دیده می‌شود. در محله شهرک شهربانی، نما ۶۸ درصد است که تنها محله ای است که اشتراک و توافق جمعی در مورد نام محله در آن وجود دارد. در بقیه محلات میزان اشتراک در نام محله کمتر از ۵۰ درصد است. لازم به ذکر است در محلات مورد مطالعه افرادی که در نزدیک هم زندگی می‌کردند، توافق بیشتری در نام محله شان داشتند. نتایج در مورد سوال سوم یا مرکز محله نشان می‌دهد که در بیشتر محلات مقدار نما کم و نسبت تغییر زیاد و در نتیجه تشتت آراء در زمینه وجود یا عدم وجود مرکز محله دیده می‌شود. در سه محله (محلات سعدآباد، تورج و محله ۹ قاسم آباد) مقدار نما بر عدم وجود مرکز محله ای مشترک تاکید دارد. در محله شهرک شهربانی مقدار نما ۷۰ درصد است که بیشترین اتفاق نظر در مورد مرکز محله وجود دارد و مرکز محله همان مرکز تجاری محله در نظر گرفته شده است. جدول ۳ درصد و نظرات ساکنین را در محلات مورد مطالعه نشان می‌دهد.

۵- یافته‌ها

الف- مرحله اول

در این مرحله اطلاعات توصیفی از ساکنین محله پرسیده شد. که شامل ۳ سوال بود. برای مشخص کردن اینکه در حال حاضر واژه محله برای مردم چه معنایی دارد و دریافت ادراک جمعی و توافق نظر در مورد ویژگی های محله ای که ساکنین در آن زندگی می‌کنند، سوالات زیر در پرسشنامه مطرح شد: (۱) آیا احساس می‌کنید در یک محله زندگی می‌کنید؟ (۲) نام محله شما چیست؟ (۳) مرکز محله شما کجاست؟

تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسش نامه‌ها نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ دهندگان سعی می‌کنند محل زندگی خود را در قالب یک قلمرو محله ای تعریف کنند و به این ترتیب خود را به یک مکان خاص پیوند زنند. تحلیل کای اسکوئر در ارتباط با جوابهای این متغیر در محلات معنی دار است ($Sig=0,000$). جوابهای موافق ارائه شده از ۷۲ درصد تا ۹۰ درصد جوابها را شامل می‌شود.

در مورد نام محله و مرکز محله از مقدار نما جهت تحلیل استفاده شد (دواس، ۱۳۸۳: ۱۰۲). به جز در محله

Table 3: Percentage and opinions of residents in 6 neighborhoods of Mashhad

Texture	Neighborhood	Positive response to living in the neighborhood	Neighborhood name	Neighborhood center
Historical	Sarshour neighborhood	%82	%38 (Sarshour)	%45 (Sarshour market)
Middle	Sa'ad Abad neighborhood	%79	%18 (Sa'ad Abad)	%42 (None)
	Samzghand neighborhood	%75	%25 (Samzghand)	%22 (Samzghand)
New	Touraj neighborhood	%72	%26 (Touraj)	%32 (None)
	Neighborhood 2, Area 18, District 8	%80	%20 (Hijab)	%27 (None)
	Neighborhood 9 Ghasim Abad	%90	%68 (Shahr bani Town)	%70 (business center)

محله قراردادی نیز بیشترین انطباق در محله شهرک شهربانی و کمترین انطباق در محله سعد آباد مشاهده گردید. و در اکثر محلات به جز محله شهرک شهربانی، قلمرو محله بندی طرح تفصیلی در چهار جهت جغرافیایی با محله بندی ادراکی ساکنین متفاوت است.

مشخص نمودن محدوده مشترک در میان پاسخ دهندگان

در این قسمت محدوده های مشترک در میان پاسخ دهندگان در ۶ محله مورد مطالعه مشخص گردید. طبق تعریف محدوده مشترک محدوده ای است که تعداد مشخصی از ساکنین، آن را به عنوان قلمرو محله خود در نظر گرفته اند. برای مشخص نمودن این محدوده با کمک نرم افزار GIS، ۱۵ میزان جوابهای مشترک قلمرو محله در میان پاسخ دهندگان در طیف های ده تایی در نظر گرفته شده است. بیشترین میزان اشتراک قلمرو محله در شهرک شهربانی (۶۸ درصد) در مرکز محله و فاز تجاری شهرک و محله سرشور (۵۱ درصد) است و در محدوده شمالی گذر سرشور که نقش مرکز محله را دارد می باشد. و در ۴ محله دیگر میزان محدوده مشترک در میان پاسخ دهندگان کمتر از ۵۰ درصد پاسخ دهندگان است و بیشتر در مراکز فعالیتی است که در داخل محلات است. در تصویر شماره ۲ موقعیت محدوده مشترک به همراه تفکیک طیفهای ده درصدی محدوده مشترک در میان پاسخ دهندگان ملاحظه می شود.

ب- مرحله دوم

در مرحله دوم از پاسخ دهندگان خواسته شد موقیت مرزهای محله خود را بر روی نقشه نقشه ای که ضمیمه پرسش نامه ها در نظر گرفته شده بود، به پرسشگر نشان دهند. تمایل به ترسیم قلمرویی که در آن منزل شخص در مرکز آن وجود دارد نیز قابل ذکر است. جهت تحلیل اطلاعات از نرم افزار GIS استفاده گردید. اطلاعات جمع آوری شده از قلمرو محلات که توسط پاسخ دهندگان مشخص شده بود در ۶ نمونه مطالعاتی به صورتی که هر نقشه پاسخ دهنده با تعریف یک چند ضلعی در لایه های اطلاعاتی GIS مشخص شد و در مجموع برای ۶۰۰ پاسخ دهنده ساکنین محلات این عمل انجام گرفت.

تحلیل اطلاعات قلمرو ادراکی محله شامل حداقل مساحت، حداکثر مساحت، میانگین مساحت، انحراف معیار، و میزان اشتراک مرزهای قلمرو ادراکی محله با قلمرو محله قراردادی در ۴ جهت جغرافیایی بود. نتایج در جدول ۴ مشاهده می شود. جوابهای ارائه شده در میانگین مساحت محله نشان می دهد در کلیه محلات، میانگین مساحت قلمرو ادراکی محله کمتر از مساحت محله قراردادی در طرح تفصیلی می باشد. این رقم از حدود ۱۰ درصد (محله سعد آباد) تا ۷۰ درصد (محله شهرک شهربانی) در میان ساکنین گزارش گردید. در مورد انطباق بین مرزهای محله ادراکی با

Table 4: Comparison of people's views on neighborhood territory in 6 neighborhoods of Mashhad (areas are in hectares)

Texture	Neighborhood	Neighborhood area	Minimum perceived area of the neighborhood	Maximum perceived area of the neighborhood	Average area	SD	Common area of the northern border	Common area of the southern border	Common area of the eastern border	Common area of the western border	Percentage of common points in the shared area
Historical	Sarshour neighborhood	76	1.4	65.2	16.71	11.42	47%	30%	15%	42%	51%
	Sa'ad Abad neighborhood	28.8	0.15	41.8	3.79	5.9	11%	19%	16%	29%	24%
Middle	Samzghand neighborhood	42	0.19	51.6	7.6	7.75	16%	23%	43%	33%	44%
	Touraj neighborhood	78	0.7	50.16	16.34	14.35	37%	0%	32%	52%	22%
	Neighborhood 9 Ghasim Abad	32	0.39	23.33	5.18	3.96	29%	28%	23%	45%	34%
New	Shahr bani Town neighborhood	28	2.4	58.5	19	9.86	40%	50%	47%	24%	68%



Fig. 2 Specifying common area among respondents in 6 neighborhoods in 10% classifications of common area among respondents

صورت زیر مطرح شد که بین میانگین مساحت قلمرو محله ادراک شده توسط ساکنین تفاوت معنی داری وجود ندارد. بررسی این موضوع در سطح خطای ۵ درصد مورد آزمون قرار گرفت. به این ترتیب فرضیه H_1 به صورت زیر مطرح شد: بین میانگین مساحت قلمرو محله ادراک شده توسط ساکنین در ۶ محله تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون نشان میدهد میانگین مساحت نقشه شناختی ساکنین از قلمرو محله بین بافتهای قدیم، میانی و جدید تفاوت معنی داری وجود دارد. (جدول شماره ۵) بیشترین میزان مساحت قلمرو محله ادراک شده در محله شهرک شهربانی است و کمترین آن در محله سعدآباد است.

۶- بحث

در این قسمت در ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا بدین وسیله روش مناسب جهت آزمون‌های آماری مشخص گردد. بررسی جوابهای متغیر مساحت قلمرو محله ادراکی نشان می‌دهد که آزمون کالموگروف-اسمیرنوف معنی دار است ($Sig=0.000$) و باید از روش‌های ناپارامتریک در آزمون‌های آماری و تحلیل اطلاعات استفاده نمود. برای مشخص نمودن اینکه تفاوت معنی داری بین میانگین مساحت قلمرو محله ادراک شده توسط ساکنین در بین محلات مختلف وجود دارد، از آزمون میانگین کروسکال والیس استفاده شد. فرضیه H_0 به

Table 5: Comparison of average perceived neighborhood area in 6 studied neighborhoods

Texture	Neighborhood	Mean area	SD	Percentage of perceived territory to the contracted area of the neighborhood	df	Significance coefficient
Historical	Sarshour neighborhood	16.71	11.42	21.9%	5	0.000
	Middle	Sa'ad Abad neighborhood	3.79	5.9		
	Samzghand neighborhood	7.6	7.75	18%		
New	Touraj neighborhood	16.34	14.35	20.9%		
	Neighborhood 9	5.18	3.96	16.18%		
	Ghasim Abad Shahr bani Town neighborhood	19	9.86	67.85%		

ادراک شده دارای تفاوت معنی‌دار (Sig=۰,۰۵) است. و در این میان خانم‌های خانه دار و محصلین محدوده کوچکتری را به عنوان قلمرو محله در نظر می‌گیرند. (جدول ۷)

نتایج تحقیق حاضر، نتایج برخی از مطالعات غربی، مانند مطالعه گست ولی (Guest & Lee, 1984) در اینکه خانم‌های خانه دار و محصلین قلمرو کوچکتری را به عنوان محله در نظر می‌گیرند را تایید می‌نماید. ولی اینکه ساکنینی که روابط اجتماعی با همسایگان دارند محله را کوچکتر در نظر می‌گیرند را تایید نمی‌کند. همچنین نتایج تحقیق، مطالعه ثقه الاسلامی و امین زاده (۱۳۸۸) که قلمرو محلات ادراکی ساکنین بسیار کوچکتر از محلات طرح تفصیلی است را تایید می‌نماید.

فرضیه تحقیق حاضر بیان می‌کند متغیرهای تفاوت فردی ساکنین محله در ادراک قلمرو محله تاثیر گذار هستند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از میان متغیرهای جنسیت، سن، میزان تحصیلات، نوع اشتغال، مدت زمان سکونت، نوع مالکیت، نحوه اقامت و موقعیت محله در سطح شهر سه متغیر جنسیت، نوع اشتغال و نوع مالکیت در ادراک قلمرو محله تاثیر گذار هستند. و بقیه متغیرها شامل سن، مدت زمان سکونت و نحوه اقامت و داشتن روابط همسایگی در ادراک ساکنین از قلمرو محله تاثیر گذار نیستند.

تحلیل تاثیر متغیرهای فردی در قلمرو محله ادراک شده

در این قسمت ۸ متغیر جنسیت، سن، میزان تحصیلات، نحوه اشتغال، مدت زمان سکونت، نوع مالکیت، نحوه اقامت و میزان روابط همسایگی و چگونگی ارتباط آنها با اندازه محله ادراک شده در مجموع ۶ محله مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد. به این منظور جهت تحلیل متغیرهای جنسیت، نوع مالکیت و نحوه سکونت و تاثیر آنها در ادراک ساکنین چون متغیرها اسمی هستند از آزمون من ویتنی^{۱۶} برای وجود تفاوت معنی دار در بین گروه‌های مختلف استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که بین گروه مردان و زنان با ضریب معنی داری ۰,۰۱۱ تفاوت وجود دارد و مردان قلمرو بزرگتری را مشخص نموده‌اند. بین گروه مالکین و مستاجرین با ضریب معنی داری ۰,۰۰۵ تفاوت وجود دارد و مالکین قلمرو بزرگتر و بین نحوه اقامت (گروه بومی و غیر بومی) با ضریب معنی داری ۰,۱۵۷ است که نشان دهنده آن است که تفاوت معنی داری وجود ندارد. (جدول ۶)

جهت تحلیل متغیرهای میزان تحصیلات، میزان سن و مدت زمان سکونت و میزان روابط همسایگی و وجود تفاوت در میان میانگین‌ها از آزمون مقایسه میانگین‌های کروسکال والیس^{۱۷} استفاده گردید. تحلیل آماری نشان می‌دهد که در میان متغیرها فقط متغیر نوع اشتغال در اندازه قلمرو محلات

Table 6: Comparison of average perceived neighborhood area in 6 studied neighborhoods

Variable	Group	Mean	SD	Z	Significance coefficient
Gender	Male	12.036	11.6	-2.534	0.011
	Female	10.045	10.58		
Ownership type	Owner	11.86	11.34	-2.816	0.05
	Tenant	9.33	10.98		
Residence type	Native	11.75	11.69	-1.415	0.157
	Non-native	8.93	7.98		

Table 7: Testing mean difference among different groups in 6 selected neighborhoods

Variable	Group	Mean	SD	DF	Significance coefficient
Level of education	Secondary school and less	10.87	11.04	3	0.379
	High school and associate degree	12.02	11.36		
	Bachelors' degree	10.42	10.8		
	Masters' degree and PhD	18.59	18.00		
Age	15-19	10.02	10.91	3	0.115
	20-39	12.04	11.04		
	40-59	11.27	12.02		
	More than 60	10.75	11.03		
Occupation	Freelance jobs	12.68	12.16	5	0.05
	Employee	12.31	12.22		
	Student	9.94	9.99		
	Housewife	9.54	9.89		
	Retired	11.56	11.21		
	Unemployed	15.75	13.72		
Duration of residence	Less than 5 years	9.89	10.85	3	0.067
	6-15	11.25	10.81		
	16-25	13.86	12.38		
	More than 25 years	12.01	12.76		
Neighborhood relations	Completely friends	12	12.58	3	0.206
	Sometimes communicating	11.93	10.90		
	Just greetings	11.56	11.66		
	Do not know at all	9.37	9.55		

۷- نتیجه گیری

با همه تغییراتی که در ساختار فضایی شهرها نسبت به گذشته انجام شده، محله نقش و جایگاه خود را در تصویر ذهنی مردم دارد. مردم محله را مکانی می‌دانند که بعد از خانه، مهمترین شکل مکان زندگیشان می باشد و رویکردی احساسی نسبت به آن دارند. نتایج تحقیق نشان می دهد که محله ادراکی مردم متفاوت با محلات قراردادی است که طرحهای توسعه شهری آن را تعریف می کنند. از نظر مردم محله قلمرویی مسکونی است که با مفاهیم اجتماعی و مکانی تعریف می شود در حالی که از نظر طرحهای توسعه شهری و سازمانها، محله مفهومی فضایی است و با مرزهایی مشخص تعریف می گردد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از میان ۶ محله مورد بررسی در تحقیق حاضر، محله شهرک شهربانی تطابق بیشتری بین قلمروی محله ای که ساکنین ادراک می‌کنند با قلمرو محله قراردادی در طرح تفصیلی (۶۷،۸۵٪) دارد که در این محله مرکز محله ای مشخص نیز وجود دارد که بر اساس طرح تفصیلی شکل گرفته است. مفهوم اجتماعی نیز در این محله به صورت همبستگی اجتماعی تا حدودی وجود دارد. در بقیه محلات میزان انطباق بسیار پایین است. همچنین بیشترین درصد اشتراک در محدوده مشترک میان پاسخ‌دهندگان تحقیق، در محله شهرک شهربانی ۶۸٪

(مرکز تجاری محله) و پس از آن در محله سرشور ۵۱٪ (گذر سرشور) می‌باشد و در بقیه محلات این میزان کمتر از ۵۰ درصد است. به این ترتیب قلمرو محلات قراردادی طرح تفصیلی بسیار بزرگ در نظر گرفته شده و ساکنین چنین ادراکی از قلمرو محله نداشته و بهتر است قلمرو محلات قراردادی به چندین محله کوچکتر تقسیم گردد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد نحوه ادراک ساکنین از قلمرو محله در بافتهای مختلف شهری و با توجه به ویژگی‌های مختلف محله با یکدیگر دارای تفاوت معنی دار می‌باشد. همچنین بررسی ۸ متغیر تفاوت‌های فردی ساکنین نشان می‌دهد که سه متغیر جنسیت، نحوه مالکیت و نوع اشتغال در قلمرو ادراکی محله تاثیر گذارند. به صورتیکه مردان و مالکین واحدهای مسکونی، قلمرو بزرگتری را به عنوان محله ادراک می‌نمایند. علت این موضوع در مورد مالکین را می‌توان به این صورت مطرح نمود، ساکنین مالک واحدهای مسکونی به دلیل آشنایی بیشتری که با بافت شهری پیرامون خود دارند، قلمرو بزرگتری را به عنوان محله در نظر می‌گیرند و افرادی که ساکنین مستاجر هستند به علت آشنایی کمتر با بافت شهری، قلمرو کوچکتری را به عنوان محله در نظر می‌گیرند. همچنین از لحاظ اشتغال، ساکنینی که خانه دار هستند و محصلین به طور معنا داری قلمرو محله را کوچکتر در نظر می‌گیرند. در مورد ساکنین خانه دار که بیشتر خانمها هستند می‌توان گفت

تفصیلی شکل گرفته و در برخی موارد، مرکز محله پیشنهادی طرح تفصیلی نیز شکل نگرفته است، از نظر ساکنین محدوده بسیار کوچکتری از قلمرو محله قراردادی طرح تفصیلی به عنوان محله ادراک و تعریف می‌شود.

در فرآیند مشخص نمودن قلمرو محلات توصیه می‌گردد از ابزارهای جدید مانند GIS در تعیین مرزهای قلمرو محله بهره‌گیری شود. در تعیین قلمرو محلات دو اقدام به موازات هم و به صورت تعاملی انجام گیرد. ابتدا مولفه‌های عینی محله شامل ساختارهای فضایی و اجتماعی محله مشخص گردد و مولفه‌های مختلف فضایی، اجتماعی در لایه‌های مختلف اطلاعاتی تنظیم شده و محدوده‌های همگن مشخص گردد. در مرحله بعد، نحوه ادراک و ذهنیت ساکنین از قلمرو محله نیز در لایه‌های اطلاعاتی تعیین گردد و در نهایت با همپوشانی لایه‌های مختلف اطلاعاتی نسبت به انتخاب قلمرو مناسب برای هر محله اقدام گردد.

ایشان قلمرو محله را با توجه به داشتن ایمنی و امنیت برای کودکانشان کوچکتر در نظر می‌گیرند. بررسی پنج متغیر میزان تحصیلات، مدت اقامت، سن و نحوه اقامت و داشتن روابط همسایگی در ادراک قلمرو محله ای، تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

نتایج تحقیق در ارتباط با قلمرو محله نشان می‌دهد در محلاتی که ویژگی خاص اجتماعی و کالبدی- فضایی هویت دهنده به محله وجود ندارد، در چنین حالتی به لحاظ مفهوم اجتماعی، محله به صورت روابط اجتماعی افراد با هم به خصوص در سطح مساجد محله، و به لحاظ کالبدی- فضایی به صورت نزدیکترین مرکز فعالیتی تعریف می‌شود. در این میان مراکز محلی و مساجد محله، نقش و جایگاه بسیار مهمی در ادراک ساکنین از قلمرو محله دارند. با توجه به اینکه مساجد و مراکز متعدد محله ای در قلمرو محلات طرح

پی‌نوشت

1. Neighborhood Based Planning
2. Territorial
3. Structural
4. Community Mapping Exercises
5. Person- Centric Buffers
6. Pedestrian Street Networks
7. Automated Zone Design
8. Common Area

۹. در مطالعاتی که در کشورهای غربی انجام شده به طور نمونه در تحقیق کالتون و همکاران (Coulton et al., 2001) محدوده مشترک، محدوده ای تعریف شده است که حداقل ۷۰ درصد جواب دهندگان و در مطالعه کمپبل و همکاران این رقم حداقل ۵۰ درصد جواب‌دهندگان (Campbell, 2009) در نقشه‌های شناختیشان به این محدوده اشاره کرده اند. (et al.

10. Cluster Sampling
11. Reliability
12. Test-retest method
13. Mode
14. Variation ratio

۱۵. برای انجام چنین تحلیلی، هر یک از قلمرو محلات پاسخدهندگان به صورت چند ضلعی در یک لایه ترسیم می‌شود. از ابزار Analysis Tools/ overlay/ spatial joint برای مشخص نمودن محدوده مشترک استفاده می‌شود.

16. Man- Whitney
17. Kruskal- Walis

فهرست منابع

- اشرف، احمد (۱۳۵۳). ویژگی‌های شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم انسانی، شماره ۴، دوره اول.
- برونون، وحید؛ ناصر براتی؛ آزاده شاهچراغی (۱۳۹۵). تعریف قلمرو محلات: تحلیلی مفهومی با تاکید بر ابعاد روانی- ادراکی و ارائه مدل مفهومی، مدیریت شهری، ۳۱۳-۴۲، ۳۲۶.
- توسلی، محمود (۱۳۷۶). اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران جلد اول، چاپ چهارم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ثقه الاسلامی، عمید الاسلام؛ امین زاده، بهناز (۱۳۸۸). رویکردی تحلیلی به شناخت مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران، مجله هنرهای زیبا، ۳۹، ۸۱-۹۲.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰). از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تاجر)، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- دواس، دی.ای (۱۳۸۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی.
- کرامت‌اله (۱۳۸۴). برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، چاپ دوم، یزد، دانشگاه یزد.

- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۷). مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ دوم، امیر کبیر، تهران.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۸). محله‌ها و واحدهای مسکونی در ایران، در شهرهای ایران، جلد سوم، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی.
- سعید نیا، احمد (۱۳۸۵). کتاب سبز راهنمای شهرداری‌ها (نظام مراکز شهری و فضاها ی مسکونی)، چاپ دوم، تهران، سازمان شهرداریهای کشور.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲). مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری، چاپ سیزدهم، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۷۴). باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار بلوک‌های جمعیتی شهر مشهد.
- Campbell E, Henly JR, Elliott DS, Irwin K (2009). Subjective constructions of neighborhood boundaries: lessons from a qualitative study of four neighborhoods, *Journal of Urban Affairs*, Vol. 31, No. 4, pp. 461-490.
- Chaskin RJ (1995). *Defining neighborhood: history, theory and practice*, The chapin Hall center for children at the university of Chicago, Chicago.
- Coulton C, Korbin J, Chan T, Su M (2001). Mapping residents' perception of neighborhood boundaries: A methodological note, *American Journal of Community Psychology*, Vol. 29, No. 2, pp. 371-383.
- Coulton C (2012). *Defining Neighborhoods for Research and Policy*, *Cityscape*, Vol. 14, No. 2, pp. 231-234.
- Downs RM, Stea D (1973). Cognitive maps and spatial behavior: Process and Products. In R. M. Downs and D. Stea (Eds.), *Image and Environment: Cognitive Mapping and Spatial Behavior*, pp. 8-26, Chicago, Aldine Transation.
- Guest AM, Lee BA (1984). How urbanites define their neighborhoods, *Population and Environment*, Vol. 7, No. 1, pp. 32-56.
- Haerberle SH (1988). People or place: Variations in community leaders' subjective definition of neighborhood, *Urban Affairs Quaterly*.
- Haney WG, Knowles EC (1978). Perception of Neighborhood by city and suburban residents, *Human Ecology*, Vol. 6, No. 2, pp. 201-214.
- Hester RT (1984). *Planning Neighborhood Space with People*, University of California, Berkeley.
- Hunter A (1974). *Symbolic Communities: The persistence and change of Chicago 's local communities*: Chicago, University of Chicago Press.
- Keller S (1968). *The urban neighborhood: A sociological perspective*, New York: Random House.
- Kitchin R (1994). Cognitive Maps: What are they and why study them? *Environmental Pshycology*, Vol. 14, pp. 1-19.
- Lee T (1968). Urban neighborhood as a socio-spatial schema, *Human Relations*, Vol. 21, No. 3, pp. 241-267.
- Lee T (1973). Psychology and living space, In R.M. Downs & Stea (Eds.), *Image and environment: Cognitive mapping and spatial behavior*, pp. 87-108, Chicago: Aldine.
- Lee BA, Campbell KE (1997). Common Ground? Urban neighborhoods as survey respondents see them, *Social Science Quarterly*, Vol. 78, No. 4, pp. 922-936.
- Lee T (1968). Urban neighborhood as a socio-spatial schema, *Human Relations*, Vol. 21, No. 3, pp. 241-267.
- Lohmann A, McMurrin G (2009). Resident-Defined neighborhood Mapping Using GIS to Analyze Phenomenological Neighborhoods, *Joutnal of Prevention and Intervention in the Community*, Vol. 37, No. 1, pp. 66-81.
- Mumford L (1961). *The city in history; its origins, its transformations, and its prospects*, Fine Communication.
- Ohmer ML, Coulton C, Freedman D, Sobeck JL, Booth J (2018). Methodological approaches, Measures for community and neighborhood researches, Sage Pub Inc.
- Rapoport A (2001). The role of neighborhoods in the success of cities, paper presented at the WSE, symposium "Defining success of the city in the 21 century", Berlin.
- Rohe WM (2009). From local to global, one hundred years of neighborhood planning, *Journal of the American Planning Association*, Vol. 75, No. 2, pp. 209-230.
- Smith ME (2010). The archaeological study of neighborhoods and districts in ancient cities, *Journal of Anthropological Archaeology*, Vol. 29, No. 2, pp. 137-154.
- Urban Task Force (1999). *Towards an Urban Renaissance, Final Report*, HMSO, London.

Conceptual Analysis of Neighborhood Territory based on Residents' Perception using Geographic Information System (GIS) (Case study: Mashhad Neighborhoods)

Amidoleslam Saghatoleslami¹(Corresponding Author)

¹Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University(Mashhad Branch), Khorasan Razavi, Iran (saghatoleslami@mshdiau.ac.ir)

Received
21/10/2018

Revised
16/04/2019

Accepted
02/05/2019

Available Online
12/04/2019

Currently, neighborhoods play an important role in local plans and programs in cities and have an important status in urban development. Urban neighborhoods are referred to as the key to urban development, public participation, and giving identity to urban environments. On the other hand, in Iranian urbanization also neighborhood has a very long history and it has been one of the main elements in the structure of Iranian cities. One important issue in relation to neighborhood concept is the proper definition of the territory of neighborhoods. Many of the plans and programs provided for development, improvement, and enhancement of neighborhoods are somehow linked to the territory of neighborhoods and their definition. Meanwhile, the first step is to correctly define the dimensions and boundaries of neighborhoods and the role of neighborhood residents. In this regard, despite studies carried out in western countries and the development of methods to assess and analyze perceptions of residents of the territory, there have been very few studies in the country.

The present study aims to firstly determine the extent of collectiveness of residents' perceptions of neighborhoods' territory and secondly examine and analyze how the eight variables (derived from individual differences among neighborhood residents) affect residents' perceptions of neighborhood territory. The considered variables are gender, age, education, job, duration of residence, type of ownership, mode of residence (native, non-native), and having neighborhood relations. First, the theoretical foundations associated with the study are reviewed and then the methods used to define neighborhood territory are introduced using residents' opinions.

The research method is quantitative and survey along with statistical analysis and spatial information analysis. For this purpose, 600 combined questionnaires along with annex map were distributed in 6 neighborhoods of Mashhad according to the neighborhoods determined in Detailed Plan of the city of Mashhad (including neighborhoods of Sarshur, Sa'ad Abad, Samzghand, Touraj, Shahr bani Town and neighborhood 9 of Qasim Abad). Sampling method was multistage cluster sampling. The information analysis process was carried out in two stages. In the first stage, descriptive information of residents' perception of the neighborhood was analyzed and in the second stage, the information obtained from cognitive maps of residents from the territory of the neighborhood was analyzed using Geographic Information System (GIS).

The study results show that the majority of respondents try to define their place of residence in the framework of a neighborhood territory. Regarding the variables of neighborhood name and location of the neighborhood center, in most neighborhoods, there is disagreement among the residents. Meanwhile, local centers and neighborhood mosques play an important role in residents' perceptions of neighborhood territory.

Analysis of the information regarding the neighborhood's perceived territory shows that in all neighborhoods, the average perceived territory area of the neighborhood is lower than the contracted neighborhood area in the Detailed Plan. Overlap rates in the studied neighborhoods were reported as ranging between 10 to 70 percent among residents.

The results of examining common points in neighborhood borders show that in most neighborhoods the boundaries of the contracted neighborhood territory in the Detailed Plan in four geographical directions are different from the neighborhood borders perceived by the residents. Also, in the respondents' answers, the location of the common area territory in each of the neighborhoods is mostly based on the activity centers within the neighborhoods.

Results of Kruskal-Wallis statistical test show that residents' perceptions of neighborhoods' territories in different urban contexts are different from the contracted neighborhoods defined in urban development plans. Also, the average perceived territory areas in different urban contexts are significantly different from each other.

To examine the variables of individual differences of residents and how they affect the residents' perceptions, the mean area index of residents' perceptions of the neighborhood territory was used. Mann-Whitney statistical test was used to analyze the three variables of gender, type of ownership, and type of residence; and Kruskal-Wallis test was used to analyze the five variables of education, age, duration of residence, type of occupation, and the number of neighborhood relations. The results show that males and owners of residential units significantly perceive the neighborhood territory larger than the other groups, and residents who are housewives and students, compared to other groups of occupations, significantly perceive the neighborhood territory smaller than the other groups of employees. Regarding the variables of age, duration of residence, level of education, and the amount of neighborhood relations, there were no significant differences in residents' perceptions of neighborhood territory.

The present study provides recommendations on application of residents' perceptions in the process of defining neighborhoods' territories and determining variables in this regard. Also, it is recommended to use new tools such as Geographic Information System (GIS) and its analytical tools in the process of determining neighborhoods' territories.

Key words:

Neighborhood, Neighborhood territory, Resident's perceptions, Geographical information system (GIS), Mashhad